

آمریکای لاتین: دو قرن پیکار برای آزادی

مکزیک مهد انقلاب

مانده از پیش

در نیمه اول قرن نوزدهم ناپلئون سوم امپراتور فرانسه به مکزیک لشکر کشید و "ماکسیمیلین" را به عنوان امپراتور مکزیک برگزید ولی با شکست فرانسه در جنگ با پروس (آلمان) مردم علیه "ماکسیمیلین" قیام کردند. امپراتور مکزیک توسط مردم بازداشت و اعدام شد و در مکزیک جمهوری اعلام گردید.

د راواخر قرن نوزدهم ژنرال "پروفی ریو دیاز" (PROFIRIO-DIAZ) فرمانروای مطلق مکزیک شد و تا اوایل قرن بیستم در هر انتخابات ریاست جمهوری که البته فرمایشی بود مجدداً به سمت ریاست جمهوری برگزیده شد. او هر طغیان، شورش و جنبش انقلابی را سرکوب کرد. سرانجام در برابر فشار مردم تصمیم گرفت یک انتخابات آزاد برگزار کند و فکر می کرد مردم با او هستند.

در این انتخابات رقیب او "مادرو" (MADERO) که نامزد همه گروهها بود پیروز شد.

ژنرال دیاز او را دستگیر و زندانی کرد ولی "مادرو" از زندان فرار کرد و به کمک جنبشهای مردمی موفق شد ژنرال "دیاز" را فراری دهد او به پاریس فرار کرد و در آنجا ماند تا سرانجام مرد.

مهد انقلاب

در این لحظه از تاریخ مکزیک انقلابهای

بی درپی در آن کشور روی داد و چهره تازه‌ای رهبری انقلابیون را عهده‌دار گردید. او "امیلیانو زاپاتا" بود.

مهد انقلاب

مکزیک را مهد انقلاب‌های دموکراتیک در قرن بیستم در آمریکای لاتین می دانند. مکزیک هر چند جزء قاره آمریکای شمالی است و نه آمریکای لاتین (آمریکای مرکزی و جنوبی) معذالک بازتاب تحولات انقلابی این کشور در

زمین و آزادی شعار اصلی انقلابیون مکزیک بود

کلیه کشورهای آمریکای لاتین موجب حرکت‌های انقلابی گردید. از شیلی تا نیکاراگوئه، کوبا، گرانادا، السوادور، آرژانتین، پرو، کلمبیا، ونزوئلا، اروگوئه، دومینیکن و غیره دولت آمریکا برای حفظ منافع خود و سرمایه‌داران آمریکایی در امور همه کشورهای آمریکایی مداخله کرده است چه سیاسی و چه نظامی و چه اقتصادی.

تجاوزهای واشنگتن

سالهاست که کوبا در محاصره اقتصادی واشنگتن است و در روزگار ما خواندید و دیدید که چه تلاشی برای سرنگونی "چاوز" رئیس جمهوری ونزوئلا بکار برد. در آغاز قرن بیستم چهره‌های انقلابی زیادی علیه مداخلات آمریکا در آمریکای لاتین و همچنین مکزیک بپا خاستند.

پانچو ویلا (PANCHO-VILLA) یکی از این چهره‌هاست که در انقلاب مکزیک ضربات زیادی به ارتش آمریکا وارد کرد. "پانچوویلا" در سال ۱۹۱۶ رهبری انقلابیون را عهده‌دار گردید و با بخشی از ارتش آمریکا در آن کشور جنگید. سالها ارتش آمریکا تلاش کرد "پانچوویلا" را دستگیر کند ولی هرگز نتوانست او را که در کوه و دشت می جنگید پیدا کنند.

زمین و آزادی

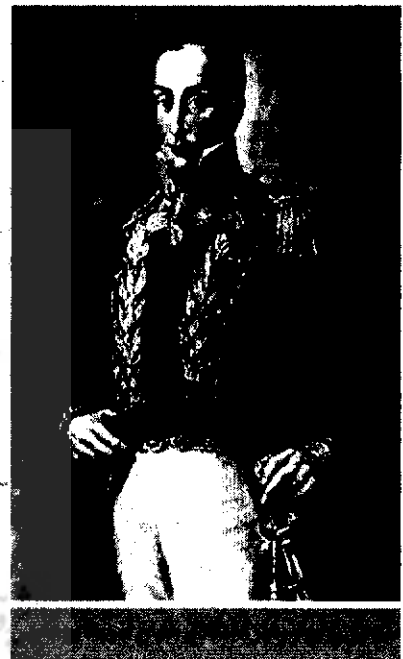
چهره جاودان و افسانه‌ای انقلاب مکزیک "امیلیانو زاپاتا" است که در سال ۱۹۱۱ رهبری انقلاب مکزیک را که بزرگ‌ترین انقلاب این کشور و سر آغاز یک سلسله جنبش‌های دیگر در آن کشور بود عهده‌دار گردید. "زاپاتا" مدافع تنگ‌دستان، دهقانان و بومیان مکزیک بود. شعار اساسی زاپاتا دو کلمه بود "زمین و آزادی"

مارکوس

در روزگار ما این "مارکوس" است که دهها هزار دهقان ایالت "چپایاس" پیرو او هستند و ارتش انقلابی "مارکوس" را تشکیل می‌دهند.

زاپاتا را کشتند!!!

بر خلاف فیلم "زنده باد زاپاتا" که سالها قبل در ایران نیز نمایش داده شد و "مارولون براندو" هنرپیشه آمریکایی او را یک دهقان فقیر و بی سواد نشان داده است. زاپاتا نه تنگ دست و



نه بی سواد بود. او یک کشاورز نسبتاً مرفه و ریشه در بومیان مکزیک ایالت "مورلوس" (جنوب مکزیک) داشت.

زاپاتا سال ۱۹۰۹ اوایل شکل گرفتن انقلاب مکزیک سی سال داشت. او شاهد کشمکش بین زمین داران بزرگ مزارع شکر و بومیانی که برای آنها کار می‌کردند بود.

زاپاتا در سال ۱۹۰۸ به هنگام نخستین انتخابات آزاد در مکزیک به حمایت از "وانچسکو مادرو" (MADERO) که مالک بزرگی در شمال مکزیک بود، برخاست. زاپاتا بین دو تا مزد

انتخاباتی ریاست جمهوری "پروفی ریودیاز (PORFIRIO-DIAZ)" که ۳۵ سال دیکتاتور مکزیک بود و "مادرو" جانب دومی را گرفت. در انتخابات تقلب شد و "دیز" رقیب خود "مادرو" را زندانی کرد. "مادرو" از زندان گریخت و به آمریکای شمالی رفت.

پرتوی دموکراسی

در سال ۱۹۱۱ "زاپاتا" به اتفاق "پانچو ویلا" در رأس انقلابیون به نبرد با "دیز" برخاست. رژیم "دیز" بدون نبرد مهمی فرو ریخت و دیکتاتور به یک باره قدرت را از دست داد و "مادرو" رئیس جمهور مکزیک شد. "دیز" به پاریس فرار کرد و در دیار غربت مرد.

خیانت به انقلاب

زاپاتا در سال ۱۹۱۱ متوجه شد "مادرو" که به کمک انقلابیون رئیس جمهوری شد به انقلاب مکزیک خیانت کرد و دست به اقدامات رادیکال برای رفاه توده مردم نزد "زاپاتا" و سایر رهبران انقلابی مجدداً بپا خاستند. در بیانیه آنها اعطا زمین به صاحبان اصلی آن که زارعان بومی بودند ذکر شده بود.

استقرار یک نظام دموکرات که شعار اولیه انقلاب بود مجدداً مطرح شد. "مادرو" در سال ۱۹۱۳ با یک کودتای نظامی سرنگون شد. صدها هزار دهقان سلاح در دست گرفته و علیه قدرت جدید به پیکار برخاستند و جنگ داخلی سراسر مکزیک را فرا گرفت.

قتل زاپاتا

در سال ۱۹۱۴ (شروع جنگ جهانی اول در اروپا) زاپاتا از جنوب وارد مکزیکو شد (پایتخت مکزیک) و "پانچو ویلا" از شمال، انقلابیون کاخ ریاست جمهوری را اشغال کردند و دست به اقدامات تندی زدند. خرده بورژوازی مکزیک به

وحشت افتاد. کارانزا (CARRANZA) به کمک صدها هزار نفر که از رفتار انقلابیون نگران شده بودند با بهره‌گیری از اختلاف بین رهبران انقلاب قدرت را به دست گرفتند.

"امیلیانو زاپاتا" در دهم آوریل ۱۹۱۹ با توطئه کارانزا که رئیس جمهور شده بود کشته شد. قتل زاپاتا بازتاب وسیعی در همه روستاهای مکزیک پیدا کرد که تا امروز ادامه دارد. لکن دولت‌های بعدی به تدریج اقداماتی در زمینه اصلاحات ارضی به عمل آوردند و ۱۸ میلیون هکتار زمین بین دهقانان توزیع شد.

در سال ۱۹۳۸ "حزب انقلابی بنیانی" به وجود آمد و اکثر رئیس جمهوری‌های مکزیک تاکنون از این حزب بوده‌اند

امروز شعله‌های انقلابی که "زاپاتا" بر افروخت هنوز خاموش نشده است و طی ۷۵ سال پس از قتل "زاپاتا" هنوز شعله‌ور است.

در سال‌های اخیر "مارکوس" از ایالت "چپایاس" با اعلام ادامه راه زاپاتا رهبری زارعان تنگ دست را عهده دار شده است زیرا هنوز استثمار شدیدی در روستاهای مکزیک برقرار است. "مارکوس" چندین بار در ایالت "چپایاس" با نیروهای مسلح زد و خورد کرد. دو سال قبل او با دویست هزار نفر از جنوب مکزیک به سوی پایتخت راه پیمایی کرد. هدف آنها که سلاح در دست نداشتند مذاکره با دولت بود. جهت اجرای اصلاحات ارضی در ایالاتی که مالکان حاضر نبودند کوچکترین اقدامی در جهت رفاه زارعان انجام دهند. حرکت دهها هزار نفر از پایتخت به سوی "مکزیکو" بازتاب بزرگی در جهان پیدا کرد و بسیاری از شخصیت‌های چپ از کشورهای مختلف در این راه پیمایی شرکت کردند از جمله "دانیل میتران" همسر "فرانسوا میتران" که زمانی رئیس جمهور فرانسه بود.